



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



سید حمیدرضا طالقانی

جلوه‌هایی از
حریت و عزت
حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلوه‌هایی از حریت و عزت حسینی

نویسنده:

حمیدرضا طالقانی

ناشر چاپی:

مجهول (بی‌جا، بی‌نا)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	جلوه هایی از حریت و عزت حسینی
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۹	عبودیت زیربنای حریت حسینی
۱۳	دنیا خواهی زیربنای اسارت و زبونی نفس
۱۳	آزادگی معیار گزینش همراهان عاشورایی
۱۷	سرایش سرود حریت در هنگامه نبرد
۱۸	آخرین آزمون آزادگی در هنگامه نبرد
۱۹	توصیه حریت و آزادگی به دشمن
۲۰	عبودیت و حریت هدف غایی تربیت عاشورایی
۲۲	فرجام سخن
۲۴	درباره مرکز

زبان: فارسی

نویسنده: سید حمید رضا طالقانی

ناشر: سید حمید رضا طالقانی

تعداد صفحات: ۱۸

مقدمه

از زمان شهادت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) در صحرای کربلا تا به امروز، عالم تشیع سوگوار و ماتم زده مظلومیت حق جویان عرصه عاشورا است راد مردانی که رد فراسوی انسانیت گام نهادند و به پاس داشت عدالت شرافت حریت و هر آنچه مضمون دین خداست از جان خود گذشتند؛ شهیدانی ملکوت نشین که با نثار خون خود، نام و یاد حق را بر گستره تاریخ حک کردند؛ عاشقانی که بر استر عقل سوار شدند و با اکسیر عشق مس وجودشان را طلا ساختند و عروج به عرش الهی را بر ماندن و فسیل شدن در خاک دان بی اعتبار دنیا برگزیدند. امام حسین (ع) استوانه حق و حقیقت و تبلور مجموعه ای تمام از فرهنگ تعالی بخش انسانی برای همه دوره هاست ذکر و یاد نهضت حسینی بیان نامه ای است از قداست حقیقت و عدالت و اعتراضی است به هتک حرمت حریم کبریا، و دفاعیه ای است از جبهه اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و اولیای دین خدا، بازتاب عشق به همه انبیای الهی و خاندان وحی است نمایان کننده مهر نبوت بر حقانیت زعامت و حکومت ستم کشان تاریخ است نقش بند صلابت غیرت آزادگی و شجاعت انسان در تجلی گاه ایمان است و بر افراشتن پرچم خداخواهی و آزادمنشی در گستره روزگار است در فرهنگ تشیع و از زاویه نگاه اهل بیت عصمت و طهارت (ع)، حادثه جان گداز عاشورای حسینی و شور نینوایی کربلا، عظیم ترین واقعه تاریخ و عالی ترین دانشگاه برای تربیت بشر است حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) امام سوم شیعیان

شهید سرزمین کربلا و «ثارالله» است که نهضت عظیم عاشورا، بر محور فداکاری و جان فشانی او شکل گرفت و تاریخ حیات انسان را از حماسه و ایثار سرشار کرد و عالی ترین درس عزت و افتخار و آزادگی را به نوع انسان عرضه داشت و با نثار خون حیات بخش خویش نهال نوپای اسلام را آبیاری کرد و برای تاریخ حجت حق طلبی و بیداری را بر امت محمد (ص) اتمام نمود. کربلا- پس از شهادت امام حسین (ع) و یارانش کانون الهام و اشراق شد و قیام برای عدالت و آزادگی از هر آنچه ناراستی است از سرچشمه عاشورا جوشید. در فرهنگ شیعی عاشورا روز مصیبت عظمی است که در آن بزرگ ترین فاجعه تاریخ رخ داده و عظیم ترین ستم ها بر خاندان پیامبر (ص) رفته است شیعه بر آن است که اهل جنت در این روز به عزای حسینی می نشینند و در مصیبتی که بر آل محمد (ص) رفته است می گریند. عاشورا، تجلی درگیری و رویارویی حق و باطل و روز فداکاری و جانبازی در راه عقیده و ایمان است رئیس مذهب ما حضرت امام جعفر صادق (ع)، امام زمان (عج) را که برای تحقق نهایی حقیقت اسلام و اتمام و اکمال عملی دین خدا ظهور خواهد کرد، خون خواه حضرت امام حسین (ع) معرفی می فرماید. حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) فرموده است که «در جاهلیت حرمت ماه محرم را نگاه می داشتند و از جنگیدن خودداری می کردند، اما ظالمان در محرم خون های ما را ریختند و حرمت ما را شکستند و فرزندان و زنان ما را اسیر کردند و خیام ما را آتش زده و به غارت بردند و

حرمت پیامبر (ص) را درباره ذریه اش رعایت نکردند.» این منطبق آل الله: است که پیدایی اسلام محمدی (ص) و بقا و تداوم آن حسین (ع) است یعنی نهضت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) دین پیامبر (ص) را احیا می کند و چه بسا در توصیف این حقیقت هیچ بیانی رساتر از فرموده پیامبر خدا (ص) نیست که فرمود: «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» حسین از رسول خدا است و رسول خدا از حسین آری همه مرام و فرهنگ و منش امام حسین (ع)، ناشی از ذوب شدن او در دین محمدی (ص) است و دین محمدی (ص) نیز با قیام امام حسین (ع) و شهادتش تفسیر شد و هم چون برنامه ای عملی و مجسم برای تاریخ در منظر ره پویان حقیقت و عدالت قرار گرفت آل الله:، حسین (ع) را چلچراغ هدایت و کشتی نجات امت توصیف فرموده اند؛ زیرا فرهنگ حسینی هویت بارز آزادی و آزادگی است نهضت عاشورا، حادثه ای است که در بستر تاریخ ظهور می کند اما در متن آن مضمون ها مفهوم هایی نهفته است که آن را از همه حوادث و وقایع خون بار تاریخ متمایز می سازد. تجلی فرازهای انسان ساز نهضت عاشورا، زلال زندگی بخشی است که در گستره تاریخ حیات اسلام در رگ های مردم جاری گشته و جاودانگی حقیقت حقانیت امامت شرافت عزت حریت عبودیت عدالت و همه شاخص های دیگر دین خدا را برای بشریت تضمین می کند. امام حسین (ع) و عاشورای او، مظهر کدام یک از خصلت های عالی انسانی نیست او معلم حریت اسوه جهاد، الگوی عبودیت هوادار محض حقیقت مظهر کامل عزت و شرافت استاد و مدرس رأفت و گذشت و ره پوی عدالت و مروت است

محرم و اوج آن تاسوعا و عاشورای حسینی دانشگاه عظیمی است که بشر تشنه در تاریخ می تواند از آن ایشار و از خود گذشتگی عظمت و عزت افتخار و شرافت علم و اندیشه بخشش و فداکاری شیوایی و فصاحت دلاوری و شجاعت فروتنی و تواضع حلم و متانت تعاون و دستگیری ظلم ستیزی و عدالت و... را فرا گیرد. ما در این سخن کوتاه برآنیم تا جرعه هایی از اقیانوس بی کران عبودیت و بندگی حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) را که در حریت و آزادگی آن امام همام در عرصه کربلا، تبلور و ظهور یافت نوش کنیم و از میان همه فضیلت های انسانی که در کربلا رقم خورد، این سجه عالی تربیتی را که به نظر نگارنده این سطور، ریشه و بنیان همه فضایل انسانی است مطالعه کنیم

عبودیت زیربنای حریت حسینی

امام حسین (ع) را به درستی «سرور و سالار آزادگان جهان نامیده اند. آزادگی شأنی از مراتب عالیة انسانی است که جز با مجاهدت نفسانی ریاضت و تهجد به دست نمی آید. انسانی که در تعلقات دنیوی و وابستگی های نفسانی اسیر است هرگز نمی تواند رد مسیر عقیده و آرمان عدالت از جان خویش درگذرد. انسانی که در مردار دنائت دنیا مانده و گنبدیده و روزگاری را در پی سراب هواها و هوس ها به این سو و آن سوی دویده و برای گذران زندگی به رنگ و ریا متلون شده اسیرنان و نام است چگونه می تواند از این همه بندها و دلبستگی ها برهد؟ جبهه حسین (ع)، قبل از آن که جبهه آزادی خواهی در عرصه سیاست باشد، جبهه سلوک الی الله و بندگی خداست رزمندگان این جبهه دیر زمانی است که در

مکتب عشق به خدا، مراتب کمال را پیموده اند و با بندگی کمال مطلق به کمال انسانی متصف شده اند. بندگی خدا، آزادی از اسارت هوا و هوس و دنیاست و بنده خدا، بندگی غیر را بر نمی‌تابد. خورشید حقیقت آن گاه که در جان آدمی درخشید، منظرش را تا افقی لایتناهی می‌گسترده و جانش را هر چند که در زندان تن اسیر باشد، به فراسوی مادیت ره سپار می‌کند. انسانی این گونه هرگز نمی‌تواند گوهر وجودش را به پای سفلگان بریزد، فریب دنیا خورد و آخرت را که تجلی گاه اسرار خداست به متاعی قلیل و بهایی ناچیز، بفروشد. آزادی در مکتب حسین (ع) صرفاً یک اراده سیاسی نیست بلکه محصول تربیتی نفسانی و مجاهدتی ایمانی است حسین (ع) فرزند آن امامی است که حریت علوی را این گونه به تصویر می‌کشد: «أَلَا حُرٌّ يَدْعُ هَذِهِ اللَّمَازَةَ - لَا هُلَاهَا؟ إِنَّهُ لَيْسَ - لَأَنْفُسِكُمْ - ثُمَّ إِنَّ الْجَنَّةَ، فَلَا تَبِعُوهَا إِلَّا بِهَا؛ آیا آزاده ای نیست که این خرده طعام در کام دنیا را دور بریزد و برای آنان که در خور آنند، وانهد؟ جان های شما را بهایی جز بهشت جاودان نیست پس جز بدان مفروشیدش» نتیجه منطقی این آرمان چیزی جز این نیست که «وَلَا تَكُنْ - عَيْدٌ غَيْرِكِ - وَقَدْ جَعَلَكَ - اللَّهُ حُرًّا؛ بنده دیگری مباش زیرا که خداوند، تو را آزاد آفریده است» مبنای تربیت دینی شکل گیری شخصیت انسان در بستر حریت و آزادگی است کمالات انسانی جز از ره گذر بریدن بندهای تعلق و زنجیرهای دل بستگی و وابستگی به دنیا به دست نمی‌آید، پس ملاک و محک عبودیت حریت و آزادگی است کمال تربیت دینی این است که بنده خدا، او را سر حریت عبادت کند و از

ترس دوزخ و یا طمع جنت و حور و نعیم نیز ازاد باشد. جالب توجه است که این سخن را هم مولای موحدان علی (ع) و هم فرزندش امام حسین (ع) فرموده اند که «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً، فَتِلْكَ عِبَادَةٌ التَّجَارِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً، فَتِلْكَ عِبَادَةٌ الْعَبِيدِ، وَإِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةٌ الْأَحْرَارِ وَهِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ؛ همانا گروهی خداوند را از سر طمع و رغبت به بهشت می پرستند، پس این عبادت تاجران است و گروهی او را از ترس دوزخ می پرستند، پس این عبادت بردگان است و قومی دیگر، خدای را از سر شکر و سپاس عبادت می کنند، پس این عبادت آزادگان است که برترین عبادت است» پس در عبودیت نیز مراحل و مراتبی است که ملائک و معیار آن جز حریت و آزادگی نیست هر چند این حریت آزادی از طمع بهشت و یا ترس از دوزخ باشد. در منطق حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، حریت و آزادگی از پای گاه عبودیت آگاهانه می جوشد؛ چنانچه فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ مَا خَلَقَ الْعِبَادَ إِلَّا لِيَعْرِفُوهُ فَإِذَا عَرَفُوهُ عَبَدُوهُ فَإِذَا عَبَدُوهُ اسْتَتَعَنُوا بِعِبَادَتِهِ عَنِ عِبَادَةِ مَنِ سِوَاهُ؛ ای مردم خداوند که یادش بزرگ است بندگان را نیافرید مگر برای این که او را بشناسند، پس چون او را شناختند، بندگی اش کنند، پس آن گاه که او را بندگی کنند، از بندگی غیر او بی نیاز گردند.» امام در این حدیث شریف تصریح می فرماید که آزادگی از عبودیت و عبودیت از معرفت و خود آگاهی سرچشمه می گیرد. در فهم مراتب عبادت پیشگی امام حسین (ع)، مضامین عالیّه دعای عرفه آن حضرت ما را بس تا

ریشه غیرت دینی و آزاد منشی او را دریابیم تعابیر شگفت انگیز او در عظمت حضرت حق و بی اندازه ای اسمای حسناى او و بی کرانگی نعمت هایش نشانه تموج خشیتی از پروردگار، در روح و جان اوست که با وجود آن دل سپردن به غیر و کرنش کردن در برابر دیگران بی معناست تنسک و عبادت پیشگی آن چنان با جان امام حسین (ع) آمیخته است که حتی در عرصه کربلا- نیز نمی تواند از شیفتگی به نماز و تلاوت قرآن بنابر ضرورت اوضاع اغماض کند. در عصر تاسوعا، آن گاه که در محاصره کامل قرار گرفت و دشمن خود را برای حمله نهایی آماده کرد، عباس بن علی (ع) را فرستاد تا آنان را متقاعد کند که جنگ را به روز بعد موکول کنند و شبی را فرو گذارند تا او و یارانش آن شب را به نماز و تلاوت قرآن سپری کنند و فرمود: «فَهُوَ يَعْلَمُ أَنِّي قَدْ كُنْتُ أَحِبُّ الصَّلَاةَ لَهُ مُوتِ تِلَاوَهُ - كِتَابَهُ وَ كَثْرَةَ الدُّعَاءِ وَالْإِسْتِغْفَارِ؛ خدا می داند که من نماز گزاردن و تلاوت قرآن و کثرت دعا و طلب آمرزش را چقدر دوست دارم» عباس (ع) با آنان سخن گفت و آن شب را مهلت گرفت امام حسین (ع) و یارانش تمام شب را به نماز و نیایش و طلب آمرزش گذراندند. صدای راز و نیاز آنان تا بامداد، همچون هم همه ای که از کندوی زنبور عسل به گوش می رسید، در دشت کربلا شنیده می شد، گروهی در رکوع بودند و برخی در سجده و جمعی ایستاده و دیگران نشسته خدای را عبادت می کردند. آخرین جلوه تنسک و عبادت پیشگی در عرصه کربلا، نماز حضرت ابا عبدالله و یارانش در ظهر عاشورا

بود که در گرما گرم پیکار، به نماز ایستاده و در زیر باران تیر و نیزه نشان دادند که آزادگی و حریتشان از سرچشمه عبودیت خدا سیراب شده است

دنیای خواهی زیربنای اسارت و زبونی نفس

و اما جبهه یزید، ابن زیاد و عمر بن سعد، جبهه اهل دنیا است آنان که به دنیاخواهی و لذت طلبی خو کرده اند و نمی توانند از زخارف دنیا دست بکشند آنان قبل از آن که در این عرصه رویاروی آل الله (ع) بایستند، در غل و زنجیر متاع دنیا و هواها و هوس ها گرفتار شده اند. در زیارت اربعین حضرت ابا عبدالله می خوانیم که «... وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ عَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ الْأَذْنَى وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَتَعَطَّسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ...» آنان که در مقابل حسین (ع) هم دست شدند، کسانی بودند که دنیا فریبشان داده بود و بهره خود را در ازای بهایی ناچیز فروختند و آخرت خود را به ثمنی اندک از دست دادند، طغیان کردند و خود را در اسارت هوا و هوس سرنگون ساختند...» بنابراین آزادگی و ازادی خواهی صرفاً اراده و تصمیم عارضی سیاسی نیست بلکه منشی است که از مبانی جهان بینی توحیدی سرچشمه می گیرد. حریت شاخصی است که صدق و راستی انسان را در مراتب توحید و عبودیت حق تعالی آشکار می سازد و در عرصه ابتلا و امتحان سره را از ناسره باز می نمایاند.

آزادگی معیار گزینش همراهان عاشورایی

حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) بارها و بارها، از آغاز حرکت تا روز عاشورا، حریت و آزادگی یاران خود را در انتخاب این راه آزمود. مفهوم و مضمون ولایت در منطق شریعت تسلیم بی چون و چرا و تبعیت محض از سر اکراه نیست ساحت ولایت عشق و دل دادگی است راست گفتند آنان که پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، مولویت را در حدیث غدیر خم و شاه بیت آن «من كنت مولاه فهذا علي مولاه عشق و شیفتگی به علی (ع)

بر تافتند، گرچه با مضمون و مفهوم عشق بیگانه بودند. ولایت علوی عشق و دل دادگی به ساحت راد مردانی است که در جذبه حق از هر آنچه جز اوست رهیده اند و در عبودیت و بندگی او ذوب شده اند. عشق و دل دادگی عرصه آگاهی و انتخاب آزادانه است و با اکراه و اجبار، جمع نمی شود. شیفتگی با الزام دست یافتنی نیست و به همین جهت سرور و سالار آزادگان بارها آزادی یارانش را در انتخاب همراهی با او، ارزیابی کرد. «أَيُّهَا النَّاسُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ يَصْبِرُ عَلَيَّ حَيْدُ السَّيْفِ وَطَعْنِ الْأَسِنَّةِ فَلْيَقُمْ مَعَنَا وَالْأَفْلَيْنُصْرَفِ عَنَّا؛ ای مردم هر یک از شما که می تواند بر تیزی شمشیر و ضربات نیزه ها پایداری کند، با ما همراه شود و گرنه از ما انصراف اختیار کند.» ولایت عشق است و میدان عشق میدان خطر کردن و ابتلا. حضرت سکینه (س) دختر حضرت امام حسین (ع)، نقل می کند که در مسیر کربلا، در شبی که مهتاب دشت را روشن کرده بود، پدرم در جمع اصحاب حاضر شد و خطاب به آنان فرمود: «اعْلَمُوا أَنَّكُمْ خَرَجْتُمْ مَعِيَ لِعَلِّمِكُمْ أَنِّي أَقْدِمُ عَلَى قَوْمٍ بَايَعُونِي بِالسِّبْتِهِمْ وَقُلُوبِهِمْ، وَقَدِ انْعَكَسَ الْأَمْرُ لَانَّهُمْ اسْتَحَوْذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسِيَهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ وَالْإِنِّ لَيْسَ لَهُمْ مَقْصِدٌ إِلَّا قَتْلِي وَقَتْلَ مَنْ يُجَاهِدُ بَيْنَ يَدَيَّ وَسَبِيَّ حَرِيمِي بَعْدَ سَلْبِهِمْ وَأَخْشَى أَنْ تَكُونَ مَا تَعْلَمُونَ وَتَسْتَحُونَ وَالْخَدَعُ عِنْدَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ مُحَرَّمٌ فَمَنْ كَرِهَ مِنْكُمْ ذَلِكَ فَلْيَنْصِرْ فَالْذَّلِيلُ سَتِيرُ وَالسَّبِيلُ غَيْرُ خَطِيرٍ وَالْوَقْتُ لَيْسَ بِهَجِيرٍ وَمَنْ وَاسَانَا بِنَفْسِهِ كَانَ مَعَنَا غَدَاً فِي الْجَنَانِ نَجِيًّا مِنْ غَضَبِ الرَّحْمَنِ وَقَدْ قَالَ حَيْدِي مُحَمَّدٌ (ص): وَلَمَدِي الْحَسَيْنِ يُقْتَلُ بِأَرْضِ كَرْبَلَا غَرِيبًا عَطْشَانًا فَرِيدًا فَمَنْ نَصَرَ نَصْرَهُ فَقَدْ نَصَرَ رَنِي وَنَصَرَ وَكَدَهُ الْقَائِمِ..؛ ای همراهان من بدانید که شما با من خروج کردید در حالی

که فکر می کردید من به سوی مردمی ره سپارم که هم در زبان و هم در دل با من بیعت کرده اند. در حالی که اکنون کار برعکس شده است زیرا شیطان بر آنان چیره گشته و یاد خدا را از خاطرشان برده است و اکنون هدفی جز کشتن من و یارانم ندارند، یارانی که در کنار من جهاد کنند و از حریم من دفاع نمایند، می ترسم که شما این حقیقت را ندانید و یا حیا بورزید، حيله و نیرنگ نزد ما اهل بیت حرام است پس هر کس از شما که همراهی ما را خوش ندارد، بازگردد، تاریکی شب فراگیر شده و راه ها نیز بی خطر است و زمان گرما و شدت حرارت هم نیست و البته هر کس با اختیار خویش دوستی و همراهی ما را انتخاب کند، فردا در بهشت با ما خواهد بود در حالی که از خشم خدای رحمان نجات یافته است زیرا جدم محمد (ص) فرمود: فرزندم حسین در سرزمین کربلا تنها و بال لب تشنه کشته می شود، هر کس او را یاری کند، پس مرا و فرزندانم او قائم آل محمد (عج) را یاری کرده است..» در این روایت امام (ع)، به شدت برانتخاب آگاهانه و آزادانه یارانش پای می فشرد، اوضاع جدید را تحلیل می کند، از سرانجام کار خبر می دهد و یارانش را در رفتن یا ماندن آزاد می گذارد، زیرا در منطق اهل بیت فریب و خدعه حرام است و حتی به آنان گوش زد می کند که اکنون هم از جهت تاریکی شب و حفظ آبرو، و هم از جهت امنیت راه ها و هم به جهت خنکی هوا در شب بهترین اوضاع برای

آنان که از ماندن اکراه دارند، فراهم است او با این منطق به بشر می فهماند که آزادگی و انتخاب آگاهانه شرط فداکاری و جانبازی در میدان دفاع از ساحت شرف انسانی است سکینه در ادامه حدیث می فرماید: «به خدا سوگند که هنوز سخنان پدرم به پایان نرسیده بود که دیدم مردم ده نفر ده نفر، از اطراف پدرم پراکنده شدند و تنها هفتاد و یک نفر باقی ماندند.» اکنون تنها جمعی اندک در پیرامون امام بودند اما او باز هم منزل به منزل حجت را تمام می کرد. آن گاه که پیکی از کوفه رسید و خبر شهادت مسلم و هانی و قیس و عبدالله بن یقطر را به امام رساند، آن حضرت در منزل گاه «زباله در میان یارانش پیاخاست و فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أَمَّا بَعْدُ، فَقَدْ أَتَانَا خَبْرٌ فَضِيحٌ قَتِيلٌ مُسْلِمٌ بِنِ عَقِيلٍ وَهَانِي بِنِ عَزْوَةَ وَعَبِيدِ اللَّهِ بْنِ يَقْطَرٍ، وَقَدْ خَدَلْتَنَا شِيعَتُنَا فَمَنْ أَحَبَّ مِنْكُمْ الْإِنصِرَافَ فَلْيَنْصِرِفْ لَيْسَ عَلَيْهِ مِنْنا ذِمَامٌ؛ به نام خداوند بخشنده مهربان اما بعد، همانا خبر دردناک کشته شدن مسلم بن عقیل و هانی بن عروه و عبدالله بن یقطر به ما رسید، شیعیان ما در کوفه ما را خوار کردند، پس هر کس از شما دل در گرو بازگشتن دارد، پس باز گردد که از طرف ما مورد نکوهش قرار نخواهد گرفت اما یاران امام بر ماندن و فداکاری آزادانه تأکید کردند. سپس امام حسین (ع) به برادران مسلم بن عقیل رو کرده و فرمود: «یا بَنِي عَقِيلِ، حَسْبُكُمْ مِنَ الْقَتْلِ بِمُسْلِمٍ فَأَذْهَبُوا أَنْتُمْ فَقَدْ قَدْ أَذْنَتْ لَكُمْ» ای فرزندان عقیل شهادت مسلم بن عقیل شما را بس است پس شما نیز بروید زیرا من

شما را اجازه دادم» اما فرزندان عقیل نیز از جای برخاسته و هر یک با کلامی از سر عشق و ارادت و دل دادگی بر ماندن و یاری امام شان پافشاری کردند. امام سجاد (ع) می فرماید: در شب عاشورا، پدرم اصحاب و یاران و همراهان خود را در خیمه ای جمع کرد و خطاب به آنان فرمود: «یا اهلّی وشیعتی اتّخذوا هذا اللیل جملاً لکم فانهجوا بانفسکم فلیس المطلب مغیری ولو قتلونی ما فکروا فیکم فانهجوا رحمتکم الله وانتم فی حل وسعه من بیعتی وعهدی الذی عاهدتمونی ای خاندان و شیعیان من این شب را چون شتری راه وار تلقی کنید و جان هایتان را برداشته و بروید که دشمنان جز مرا نمی خواهند و آن گاه که مرا بکشند، در فکر شمان خواهند بود، خداوند شما را رحمت کند، پس خود را نجات دهید که من بیعتم را از شما برداشتم و پیمانی را که با من بستید، نادیده انگاشتم» اما یاران آن حضرت سوگند خوردند که تا آخرین قطره خونشان از حریم او دفاع کنند. آن گاه امام باز فرمود: «یا قوم انی فی غد اُقتل و تُقتلون - کُلکم معی ولا یبقی منکم واحد! ای مردم من فردا کشته می شوم و همه شما نیز با من کشته خواهید شد و حتی یکی از شما باقی نخواهد ماند.» و یاران یک صدا حمد و ثنای الهی را به جای آوردند.

سرایش سرود حریت در هنگامه نبرد

ابن زیاد، قبل از آغاز نبرد روز عاشورا، بار دیگر امام حسین (ع) را با انواع روش ها از جمله تطمیع به بیعت با یزید فراخواند. او را وعده دنیا و مواهب دنیوی داد و از او و یارانش خواست که با عزت و احترام به کاخ

یزید بار یافته و روزگار باقی مانده از عمر خویش را در کام جویی و بهره مندی از انواع لذایذ دنیا سپری کنند، اما سرور و سالار آزادگان به خروش آمد و فرمود: «أَلَا وَإِنَّ الدَّعِيَّ بْنَ الدَّعِيِّ قَدْ رَكَزَ بَيْنَ -إِثْنَتَيْنِ، بَيْنَ -السُّلَّةِ وَالذَّلَّةِ وَهَيْهَاتَ -مِنَّا الذَّلَّةُ يَا أَبَى اللَّهِ ذَلِمَكَ -لَنَا وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ - وَحُجُورٌ طَابَتْ - وَطَهَّرَتْ - وَأَنْوَفٌ - حَمِيَّةٌ - وَنُفُوسٌ - أَبِيَّةٌ - مِنْ - أَنْ - تُؤَثِّرَ طَاعَهُ - اللَّئَامَ - عَلَى مَصَارِعَ - الْكِرَامِ؛ بدانید که این فرومایه فرزند فرومایه مرا میان دو راه مخیر ساخته است میان شمشیر و ذلت و هیهات که ما تن به خواری دهیم زیرا خدا و پیامبرش و مؤمنان از این کار ابا دارند، و دامن های پاک مادران و انسان های پاک دامن و جان های آزاده و با غیرت و نفوس با شرافت روا نمی دارند که ما فرمان برداری از فرومایگان را بر قتل گاه آزاد مردان ترجیح دهیم» و در بار دیگر فرمود: «أَلَا تَرَوْنَ - أَنْ - الْحَقَّ - لَا يَعْمَلُ - بِهِ - وَأَنَّ - الْبَاطِلَ - لَا يَتَنَاهَى - عَنْهُ؟ لِيَرْغَبَ - الْمُؤْمِنُ - فِي - لِقَاءِ اللَّهِ مُحَقَّقًا، فَإِنِّي لَا أَرَى - الْمَوْتَ - إِلَّا - سَعَادَةً - وَالْحَيَاةَ - مَعَ - الظَّالِمِينَ - إِلَّا - بَرَمًا؛ آیا نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل دوری نمی گزینند؟ در این صورت سزاوار است که مؤمن با آزادگی و عزت لقای پروردگارش را طلب کند، پس من مرگ را جز سعادت و خوشبختی و زندگی با ستم کاران را جز اسارت و بدبختی نمی بینم»

آخرین آزمون آزادگی در هنگامه نبرد

ولایت محوری در اندیشه یاران امام موجب شد تا یکی یک به محضر امام باریافته و برای فداکاری و جانبازی در راه دین خدا، اذن میدان بگیرند و امان نیز در این آخرین لحظات هر یک را دوباره با معیار آزادگی امتحان می فرمود، از

جمله آن گاه که «هلال بن نافع، از امام اذن جهاد می گرفت همسر جوانش دوید و دامن او را گرفت و گفت پس از تو به کجا بروم و به چه کسی تکیه کنم و آن گاه به شدت گریست امام رو به هلال کرد و فرمود: «يَا بْنَ نَافِعٍ، إِنَّ أَهْلَكَ لَا يَطِيبُ لَهَا فِرَاقُكَ، فَلَوْ رَأَيْتَ - أَنْ تَخْتَارَ سَيُورَهَا عَلَيَّ الْبِرَازِ! أَيِ پسر نافع همانا همسرت فراق تو را نمی پسندد، پس اگر می خواهی خشنودی او را بر مبارزه با شمشیرها اختیار کن» اما او پاسخ داد که ای پسر رسول خدا، اگر امروز تو را یاری نکنم فردای قیامت جواب پیامبر (ص) را چگونه بدهم و آن گاه به میدان رفت و ان قدر مبارزه کرد تا به شهادت رسید. یاران حسین (ع) یکی پس از دیگری به محضرش می شتافتند و پس از آن که اذن جهاد می گرفتند، به میدان رفته و سرانجام به شهادت می رسیدند. نوبت به عبدالله پسر مسلم بن عقیل رسید. او با اشتیاق به نزد امام شتافت و اذن نبرد خواست حضرت فرمودند: «أَنْتَ - فِي حَالٍ مِنْ بَيْعَتِي حَسْبُكَ - قَتِيلٌ، أَيُّبِكُ - مُسْلِمٌ خُذْ يَدِي أُمَّكَ - وَاخْرُجْ مِنْ هَذِهِ الْمَعْرَكَةِ أَيِ فرزند مسلم من بیعتم را از تو برداشتم شهادت پدرت مسلم تو را بس است دست مادرت را بگیر و از این معرکه بیرون برو.» اما او نیز هم چون دیگر یاران امام (ره) با شیرین زبانی رضایت و طیب خاطر خود را از شهادت در رکاب آن حضرت سرود.

توصیه حریت و آزادگی به دشمن

در واقعه دردناک عاشورا، آزادگی به سان خونی است که در رگ های این نهضت سترگ می جوشد. واپسین لحظه های غروب عاشورا است جسم پاک حضرت اباعبدالله الحسین (ع)،

پاره پاره از جفای دشمن در گودال قتل گاه بر زمین افتاده است حرامیان وحشی آل ابی سفیان به خیام امام یورش می برند. صدای ضجه زنان و کودکان بلند می شود و به گوش امام می رسد. خورشید تابناک غیرت و کوه آزادگی و مروت در آن حال نزار بر می خروشد و فریاد می زند: «و یحکم یا شیعه آل ابی سفیان ان لم یکن لکم دین و کنتم لا تخافون المعاد، فکونوا احراراً فی دنیاکم هذه و ارجعوا الی احسابکم ان کنتم عربا کما تزعمون وای بر شما ای شیعیان آل ابوسفیان اگر دین ندارید و از معاد و قیامت نمی ترسید، پس در این دنیا آزاده باشید. و اگر خود را عرب می پندارید، به جای خود برگردید.» شمر که در کنار گودال قتل گاه لحظه ننگین موعود را انتظار می کشید، صدای نحیف امام را شنید و جلو آمد و گفت ای پسر فاطمه چه می گویی و امام پاسخ داد: «أنا الذی اقاتکم و تقاتلونى و النساء لیس علیهم جناح فامنعوا عتاتکم و طغاتکم و جهالکم عن التعرض لعرمى مادمت حیا؛ من و شما با یکدیگر در نبردیم و زنان که در این معرکه مسئولیت و گناهی ندارند، پس متجاوزان و ستم گران و جاهلان خود را تا من زنده ام از تعرض به حرم و خیمه گاه من بازدارید.»

عبودیت و حریت هدف غایی تربیت عاشورایی

آری امام حسین (ع) مظهر کامل آزادگی کرامت انسانی و عزت ایمانی است از مهم ترین اهداف تربیت این است که انسان به قله ای صعود کند که اعتلای روحی یافته و خود را از پستی و فرومایگی به دور دارد و حرمت و شرافت و شخصیت انسانی اش را در همه حال حفظ نماید. انسان تربیت شده در برابر

حوادث گوناگون روزگار، به صلابت و استواری و استحکامی نایل شده است که سختی و راحتی نعمت و شکست و پیروزی او را به سستی و تباهی نمی کشاند. او هرگز در هجوم فتنه ها و پستی و بلندهای روزگار، به خواری و فرومایگی زبونی و اسارت و بردگی تن نمی دهد. قرآن می فرماید: (ان الانسان خلق هلوعا - اذا مسه الشر جزوعا - و اذا مسه الخير منوعا - الا المصلين - الذين هم على صلاتهم دائمون؛ همانا انسان خلق هلوعا - اذا مسه الشر جزوعا - و اذا مسه الخير منوعا - الا المصلين - الذين هم على صلاتهم دائمون؛ همانا انسان که به راحتی و رفاهی دست یابد، بسیار تکبر می ورزد، به جز نماز گزاران آنان که در نمازشان دائمند. قرآن نیز بر این نکته مهم تربیتی تأکید می کند که آزادی از آفات فراز و نشیب های روزگار، جز در سایه عبودیتی که موارد بر زندگی انسان سایه اندازد و ملکه وجودی او شود، به دست آمدنی نیست نمازگزاری که در همه حال عبودیت پیشه اوست نه در هنگام سختی به حسیض ضعف می افتد و نه در پیروزی و رفاه به آفت منیت و غرور مبتلا می شود. و حسین (ع) حقیقت آزادگی را در دشت کربلا، به تمام معنا تفسیر کرد. او انسانی است که در همه تاریخ و برای همه نسل ها، الگوی آزادگی است چرا که در هیچ حال به خواری و زبونی تن نداد. فرزندان و یارانش یکی پس از دیگری در مقابل چشم او کشته شدند، خیم او به غارت رفت خاندانش به اسارت درآمدند، بدنش با شمشیرها و نیزه ها تکه تکه شد، اما روح استوارش حتی در آخرین لحظات

حیات آزادی و آزادگی را سرود. چنین عزت و افتخار و آزادگی جز از مسیر عبودیت الهی به دست نمی آید، زیرا که (ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین) «عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است و خود امام حسین (ع) در دعای عرفه این مقام و مرتبت عبودی را در مناجات با پروردگارش چنین می سراید: «یا من خص نفسه بالسمو و الرفعه فأولیاؤه بعزه یعتزون ای خدایی که ذات خود را به علو مقام و عزت و رفعت مخصوص کردی پس دوست دارانت را به عزت و سربلندی خود، عزیز ساختی .

فرجام سخن

حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، عالی ترین الگوی آزادی و آزادگی برای بشر است او به ما نشان داد که سجیه آزادگی و کرامت نفس از نعمت وجود نیز برتر است درس بزرگ کربلا این است که انسان چگونه باید گوهر انسانی خود را از زبونی و دنائت نگه دارد و با خود آگاهی عبودیت و سرانجام آزادگی به هدف عالی حیات نایل آید. انسانیت تنها بر کیمیای خود آگاهی استوار است و انسانی که گوهر ذاتی خود را کشف نکند، از وجود خویش نیز تعریف و تعبیر درستی نخواهد داشت تاریخ آزادگی و آزادگان همان تاریخ معرفت گوهر ذاتی و خود آگاهی است که نتیجه ای جز کرنش در مقابل حقیقت و نیل به مراتب عالیه عبودیت نخواهد داشت امام حسین (ع)، هستی و وجود انسانی را از زاویه خود آگاهی می نگرد و برای حفظ و اعتلای آن با تمام امکانات و توانایی اش همت می ورزد. آزادگی مفهومی عالی است که از خود آگاهی سرچشمه می گیرد، با این تفاوت که به حوزه وجدان انسانی نیز مربوط

است لذا آزادگی برای انسان رشد یافته و خودآگاه به عنوان بهره‌وری معقول و اصولی از همه کمالات انسانی محسوب می‌شود. اگر انسان به قله آزادگی که عالی‌ترین مرتبه کرامت نفس است دست یابد، نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کند، زیرا مهم‌ترین گذاشتن آن نفی انسانیت و شخصیت انسانی او است انسانی که از آزادگی و عزت و کرامت تهی است از هر حیوانی درنده‌خوتر است و به هر پستی و پلشتی آلوده می‌شود، اما آن‌گاه که چراغ جان آدمی به عزت و آزادگی فروزان شد و هویت انسانی‌اش رنگ کرامت گرفت زندگی و برخورداری از حیات را جز براساس مناسبات عالی انسانی و روابط ایمانی نمی‌خواهد و اگر حیات و هستی‌اش بر وفق این مراد نگشت مرگ را بر زندگی در بند ستم‌گری و ذلت‌پذیری ترجیح می‌دهد، و امام حسین (ع) عالی‌ترین نمونه این آزادگی خود آگاهانه در تاریخ بشری است قصد جانان کرد و جان بر باد داد
رسم آزادی به مردان یاد داد

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

